

شریکا ظری

ملکه شجاع و جسور افغان



نویسنده: حمیرا رهبین

طراحان: فرحناز عثمانی و نرگس زاهد (Code To Inspire)

برگردان: مهدی سروش

ثریا طرزی: ملکه شجاع (جسور) افغان

1899-1968 میلادی (1278-1347 هجری شمسی)

ثریا طرزی در 24 نوامبر 1899 میلادی (فوس 1278 هجری شمسی) در دمشق سوریه چشم به جهان گشود. وی فرزند متفکر و سیاستمدار ترقی خواه افغانستان، محمود بیگ طرزی و اسمارسمیه است. ثریا در سوریه، زیر سایه تبعید و سلطنت امپراتوری عثمانی بزرگ شد، اما شدیداً تحت تأثیر آرزوهای پدرش برای یک افغانستان مستقل و مدرن قرار داشت. آن زمان، زنان در افغانستان به سختی از حقوق انسانی همچون تحصیل، انتخاب همسر یا طرز لباس پوشیدن و غیره برخوردار بودند. پادشاه حاکم وقت، چهار زن رسمی و صد زن در حرمسرای خود به عنوان برده جنسی داشت.

پس از به قدرت رسیدن پادشاه حبیب الله در افغانستان (امیر حبیب الله خان) در سال 1901 میلادی (1280 هجری شمسی)، خانواده های تبعید شده، تشویق شدند که به کشور و کاشانه خود برگردند. خانواده ثریا نیز در سال 1905 میلادی (1284 هجری شمسی) به کشور بازگشتند. پدر ثریا، با شاه ارتباط نزدیک داشت و ثریا در آن زمان با شاهزاده امان الله خان، جوان ترین پسر شاه ملاقات کرد و با وی معرفی شد. آن هادر 30 اگوست 1913 میلادی (1292 هجری شمسی) ازدواج کردند، ازدواجی که تا پایان زندگی شان ادامه داشت و حاصل آن چهار پسر و پنج دختر است.

پس از ترور پادشاه حبیب الله در سال 1919 میلادی (1298 هجری شمسی)، امان الله خان به پادشاهی رسید و ثریا ملکه شد. ملکه ثریا اولین خانم در جهان اسلام بود که در محافل عمومی ظاهر شد و شاه را در رویدادهای مختلف عمومی همراهی کرد. وی همچنین نقش مهمی در ابتکارات پادشاه برای بهبود وضعیت زنان افغان و از بین بردن سنت ها و قوانین پدرسالارانه داشت. مشارکت فعال وی در صحنه های اجتماعی و سیاسی کشور، سایر زنان نخبه و همسران مقامات دولتی را ترغیب به سهم گیری در امور کشور کرد. شاه و ملکه، اولین جنبش زنان افغانستان را تأسیس کردند. بر علاوه، تلاش های ملکه ثریا برای بهبود شرایط زنان منجر به دستاوردهای ملموس و انقلابی در حقوق مدنی و سیاسی زنان افغانستان شد.

ملکه ثریا در یک اقدام بی سابقه برای یک ملت مسلمان، شاه امان الله را در سفر هایش به اروپا، که به «سفر بزرگ» مشهور است، همراهی کرد، جایی که سیاستمداران اروپایی از آن ها به گرمی استقبال کردند. پس از بازگشت از سفر اروپا در اواخر سال 1929 میلادی (1308 هجری شمسی) به خانه، زوج سلطنتی تصمیم گرفتند تا تغییرات بیشتری را در جامعه به شدت محافظه کار افغانستان ایجاد کنند. اما، به زودی آن ها با مخالفت های شدید روبرو شدند. این مخالفت ها در نهایت منجر به شورش شد و پادشاه امان الله و ملکه ثریا طرزی را مجبور به کناره گیری از قدرت و ترک کشور نمود.

این داستان، روایت زندگی یک ملکه جسور، دلیر، ترقی خواه و شجاع است که میراث مقاومت، جسارت و مبارزه وی برای برابری جنسیتی، الهام بخش نسل های بعدی است. ملکه ثریا در سن 68 سالگی در 20 آپریل 1968 میلادی (1347 هجری شمسی) در شهر رم کشور ایتالیا دار فانی را وداع گفت. اما نام و نقش او در تاریخ فمینیستی افغانستان برجسته است. وی نقش و معنای ملکه بودن را در تاریخ فرهنگی و سیاسی افغانستان باز تعریف کرد. فمینیست های افغانستان به ملکه ثریا به عنوان یک الگو نگاه می کنند و از زمان ملکه ثریا، فعالیت های هیچ ملکه یا بانوی اول نتوانسته است با میراث وی برابری کند.

نویسنده: حمیرا رهبین
طراحان: فرحناز عثمانی و نرگس زاهد (Code To Inspire)
برگردان: مهدی سروش



اکنون، این مسئولیت ماست
که کشور عزیزمان را به سمت استقلال
و یک آینده‌ی مترقی سوق دهیم که در آن
زنان و مردان برابر حساب شوند و با آنان
رفتار یکسان صورت گیرد.

در سال 1919 (۱۲۹۸ هجری شمسی)، پس از مرگ امیر حبیب‌الله خان، پسرش امان‌الله خان سلطنت را به دست گرفت و همسر وی، بانو ثریا ملکه شد. آن‌ها با هم برای متحول کردن و مدرن سازی افغانستان تلاش کردند.



در خانه بمان! این جایی است که
تو به آن تعلق داری! تو فقط می‌توانی با من
و اجازه من بیرون بروی! خواندن و نوشتن را
فراموش کن. زنان نجیب فقط به شوهر خود
خدمت می‌کنند، نه چیز دیگری!

قبل از پادشاه امان‌الله خان، هنجارهای مدرس‌سالاری برای مدت طولانی بر جامعه افغانستان حاکم بود که زنان افغان را از تحصیل و هر نوع حضور در امور اجتماعی محروم می‌کرد.

هیچ کشوری نمی تواند پیشرفت کند، مگر این که همه شهروندان آن - اعم از زن و مرد - تحصیل کرده باشند. حالا زمان مناسب است که با فراهم آوری فرصت های تحصیلی در کشورهای دیگر، افق دید دختران جوان را گسترش دهیم - آنان باید جستجو کنند و از تجربیات شان در دیگر کشورها بیاموزند.



برخلاف ملکه های قبلی، ملکه ثریا در پشت پرده های سنت ها و رسم آن زمان، پنهان نشد. در عوض، وی شاه را در رهبری اصلاحات به هدف حمایت از جایگاه زنان همراهی کرد.



"استقلال متعلق به همه ی ما است... آیا فکر می کنید که کشور ما فقط به مردان نیاز دارد تا برایش خدمت کند؟ زنان نیز باید در خدمت به وطن نقش خود را ایفا کنند. همانگونه که زنان در سال های اولیه شکل گیری ملت عزیز ما سهم خود را ایفا کردند. ما باید در حد توان خود برای کسب بیشتر علم و دانش تلاش کنیم."

ملکه ثریا معتقد بود که یک کشور مستقل به زنان تحصیل کرده نیاز دارد. بنابراین، او اولین مکتب ابتدایی دختران را به نام "مستورات" در سال 1921 (۱۳۰۰ هجری شمسی) افتتاح کرد.

آینده دختران ما و آینده کشور ما بسیار روشن به نظر می رسد. دختران ما با کسب علم و دانش و در نتیجه خدمت به مردم، باعث افتخار ما می شوند.



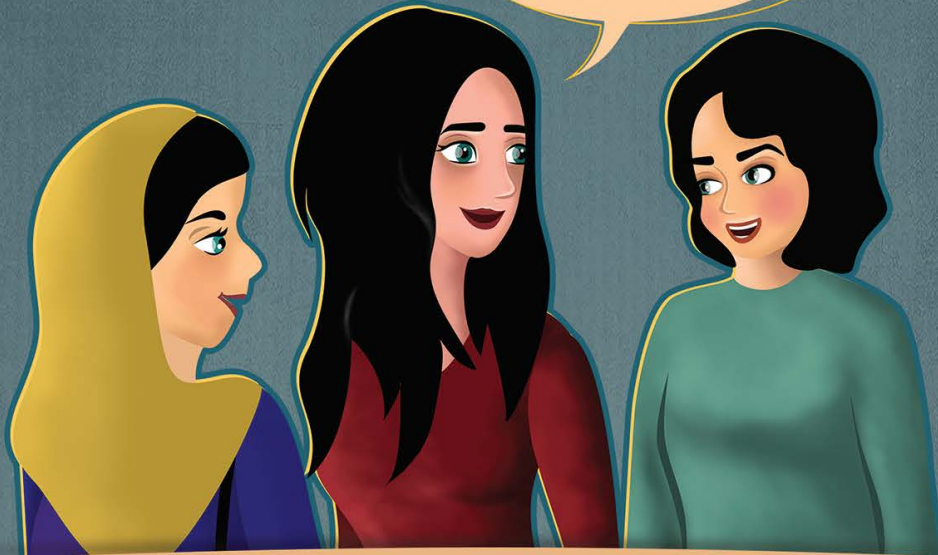
برای اولین بار، دختران افغان فرصت مکتب رفتن را پیدا کردند. این موضوع، موجی از خوش بینی را در بین خانواده ها برانگیخت زیرا آنان برای دختران خود آینده درخشانی را تصور می کردند.

بسیار خوب است که حالا به ما اجازه می دهند برای تحصیل به خارج از کشور برویم. ما با معیارهای جهانی تحصیل خواهیم کرد و با کشورها و فرهنگ های جدید آشنا خواهیم شد!



آروزی ملکه ثریا برای آموزش زنان در افغانستان، زمینه را برای اولین گروه از زنان افغان فراهم کرد تا جهت ادامه تحصیلات عالی شان در سال 1928 (۱۳۰۷ هجری شمسی) به کشور ترکیه سفر نمایند.

یکی از حقوق اساسی ما این است
که انتخاب کنیم چادر (روسروی) بپوشیم
یا نه - داشتن این حق، یک
حس عالی است!



ملکه ثریا در برابر تحمیل حجاب اجباری زنان ایستادگی نمود و وی اولین زن افغان است که در انظار عمومی رفع حجاب کرد یعنی حجاب خود را از سر برداشت. او طرفدار انتخابی بودن حجاب برای زنان بود.



این نشریه، بستری برای زنان خواهد بود تا فکر کنند و بنویسند. علاوه بر این، ما از این نشریه برای افزایش آگاهی زنان در مورد موضوعات مختلف از جمله امور اجتماعی و سیاسی استفاده خواهیم کرد.

ملکه ثریا همچنین اولین نشریه هفتگی زنان را در افغانستان به نام "ارشاد النسوان" تاسیس کرد تا افکار توده ها، به ویژه افکار زنان افغانستان را روشن کند.

این اولین بار در تاریخ است
که ما یک نشریه برای خود داریم! ما
قادر خواهیم بود تا افکار، دانش و تجربیات
خود را با تعداد بیشتری از زنان هموطن و
افغان خود به اشتراک بگذاریم.



ما به اندازه مردان مسئولیت
داریم تا در امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی
و سیاسی کشور مان کمک کنیم. ما باید همراه با
مردان خود برای سوق دادن کشور به سمت یک آینده
ای روشن همکاری کنیم - و این تنها زمانی می تواند
اتفاق بیافتد که ما از دانش و تحصیلات
خوب برخوردار باشیم.



از آن جا که ملکه ثریا به تحصیل زنان بسیار علاقه مند بود، پادشاه امان الله خان اعلام کرد که وی وزیر
معارف کشور باشد.

کاری که شاه امان الله و ملکه انجام می دهند کفر است! آنان نوکر کفار هستند! آنان دختران و زنان ما را گمراه می کنند! مکتب های دخترانه؟! تحصیل در خارج از کشور برای زنان؟! این ها کاملاً مزخرف است! ما باید در برابر این دشمنان فرهنگ و دین خود بایستیم!



در حالی که افغانستان در مسیر درست پیشرفت قرار داشت، مخالفت ها و محافظه کاری بیش از حد شروع به نابود کردن این دوران طلایی نمود.

پادشاه امان الله و ملکه اش باید بروند! ما اصلاحات کفرآمیز آنها را نمی خواهیم! ما می خواهیم زنان ما در خانه های خود بمانند و به ارزش های فرهنگی و سنتی ما پایبند باشند! ما می خواهیم عزت خود را برگردانیم!

"مرگ بر پادشاه کافر"



جامعه کاملاً سنتی آن وقت، اصلاحات و برنامه های نوسازی شاه و ملکه را قبول نداشتند. بنابراین، آنان دست به شورش زدند.



افسوس! آن ها خلاف تمام تلاش های ما برای بهبود زندگی مردم، به خصوص زندگی زنان حرکت می کنند... در این وضعیت، ترک گفتن کشور بسیار دشوار است... اما تاریخ قطعاً قضاوت عادلانه خواهد داشت.

در نتیجه، ملکه شجاع و پادشاه اصلاح طلب در سال 1929 (۱۳۰۸ هجری شمسی) مجبور به ترک کشور شدند. آنان ابتدا به هند و سپس به ایتالیا گریختند.



سر انجام، تاریخ قضاوت کرد. میراث ملکه ثریا زنده است و نسل فعلی و آینده افغانستان به عنوان الگو به او می بینند. مردم همه ساله میراث پرافتخار ملکه را در روز استقلال افغانستان به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از اصول مدرن افغانستان گرامی می دارند.

دهه ها طول کشید تا مردم افغانستان فهمیدند که شاه امان الله و ملکه ثریا وطن پرستان واقعی بودند و اصلاحات آن ها - اگر ادامه می یافت - می توانست کشور را در موقعیت بسیار بهتری نظر به وضعیت فعلی قرار دهد.